

رابطه بین دانش و نگرش جنسی، مؤلفه های عشق و رضایت زناشویی با همسر آزاری در کارکنان متأهل ادارات دولتی شهر اهواز

فرح نادری*
علیرضا حیدری**
زینب حسین زاده مالکی**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه دانش و نگرش جنسی، مؤلفه های عشق و رضایت زناشویی با همسر آزاری در کارکنان متأهل ادارات دولتی شهر اهواز بود. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۲۰۰ نفر از کارکنان ادارات دولتی (۱۰۰ نفر مرد و ۱۰۰ نفر زن) بودند که از میان کارمندان متأهل ادارات مختلف با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده شامل مقیاس تجدید نظر شده تاکتیک های تعارضی (CTS-2)، مقیاس دانش و نگرش جنسی، پرسشنامه مثلث عشق اشترنبرگ و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH) بودند. داده ها با استفاده از روش های آماری ضریب همبستگی ساده و رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته های پژوهش نشان داد که بین دانش و نگرش جنسی، مؤلفه های عشق و رضایت زناشویی با همسر آزاری هم در مردان و هم در زنان، رابطه ای منفی معنی داری وجود دارد و این متغیرها پیش بینی کننده مناسبی برای همسر آزاری هستند.

کلیدواژگان: دانش جنسی، نگرش جنسی، مؤلفه های عشق، رضایت زناشویی، همسر آزاری.

مقدمه

در دنیای اطلاعات و جهان ارتباطات امروز، که پیشرفت تکنولوژی، هر لحظه، انسان های جوامع و فرهنگ های مختلف را به یکدیگر نزدیک و نزدیکتر می کند، خواسته های بشر، بیشتر و جدی تر شده و رفاه، آزادی، آرامش، لذت و تنوع اهمیت بیشتری پیدا نموده اند. از این رو سکس جایگاهی مهمتر یافته و نه تنها در رده نیازهای فیزیولوژیک انسان ها همانند تشنگی، گرسنگی و نیاز به هوا و خواب، بلکه در حیطه نیازهای معنوی و عرفانی چون نیاز به زیبایی و کمال در نظر گرفته می شود؛ اما ابهامات، خرافات و جهالت های پیرامون آن هنوز از بین نرفته اند (اوحدی، ۱۳۸۵).

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

** کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد است

بررسی رفتار جنسی، به عنوان یکی از رفتارهای اساسی در زندگی انسان به ویژه پس از ازدواج از اهمیت بسیاری برخوردار است. اهمیت این موضوع به این جهت است که هویت جنسی انسان در حدود سنین ۲-۳ سالگی شکل گرفته و به منظور بقای نوع بشر و ایجاد آرامش در زندگی تا مرگ تداوم می یابد. از آنجا که رفتار جنسی تا حدود زیادی اکتسابی و مبتنی بر یادگیری است، نیاز به آموزش و تربیت ویژه دارد (کجیاف، ۱۳۸۵).

تجارب نشان داده است که دانش و آگاهی نسبت به مسائل جنسی، زندگی را تغییر می دهد و اغلب آن را بهتر می کند. اما گاهی اوقات بین آموخته های فرد و پیوند آن با زندگی شکاف وجود دارد (وستیمر^۱، ۲۰۰۵)، به نقل از یوسفی، (۱۳۸۴). واکنش همسر به ناکشوری در ایجاد و ابقای مشکل جنسی نقش مهمی دارد، زیرا تعامل جنسی موقعیت پویایی است که در آن دو نفر به طور مداوم بر رفتار یکدیگر تأثیر می گذارند. ماهیت پیچیده دو جانبه تعامل های جنسی موجب گردیده است تا بسیاری از متخصصان اظهار دارند که به طور کلی مشکلات جنسی باید به عنوان مشکلی که متعلق به زن و شوهر است در نظر گرفته شوند، نه به عنوان مشکلی که متعلق به هر یک از همسران است (اسپنس^۲، ترجمه تونزنده جانی، محمدی، توکلی زاده و دهگان پور، ۱۳۸۶).

چون نقش رویدادهای شناختی به عنوان محرک های رفتار جنسی مورد تأیید قرار گرفته است، افکار، نگرش و ارزش های افراد بخشی از مؤلفه های مهم رفتار جنسی هستند و منابع مهم مؤثر بر پاسخدهی جنسی محسوب می شوند. نگرش و عقاید دال بر رویدادهای شناختی خاص نیست، بلکه به شیوه های تفکر یا سوگیری در تفسیر اطلاعات اطلاق می شود که بر محتوای فعالیت شناختی تأثیر می گذارد. در حیطه مسائل جنسی، مردم عقاید و نگرش راجع به طیف وسیعی از موضوعات مانند فعالیت های جنسی بهنجار یا نابهنجار، نقش های جنسی یا فعالیت های جنسی دارند. افکار و نگرش های ناسازگارانه در چگونگی تفسیر اطلاعات در موقعیت های جنسی و نهایتاً تجربه، میل، بر انگیزختگی و ارگاسم نقش بسیار مهمی ایجاد می کنند. اگر محرک ورودی به گونه ای تفسیر شود که باعث به وجود آمدن افکار جنسی مثبت گردد، در مقایسه با تغییری که باعث ایجاد افکار منفی می شود، احتمالاً تأثیرات متفاوتی بر پاسخ جنسی فرد خواهد گذاشت (اسپنس، ترجمه تونزنده جانی و همکاران، ۱۳۸۶).

هماهنگی و ارضای نیازهای زوجین، بر آوردن نیازهای عاطفی، داشتن مهارت های مربوط ایجاد تفاهم و شیوه های محبت و ارضای نیازهای جنسی زوجین می تواند باعث رضایت زوجین از زندگی مشترک و تداوم آن گردد. عشق، صمیمیت و رابطه جنسی جنبه های در هم تنیده روابط نزدیک هستند که هر کدام می تواند دیگری را به شیوه های مثبت یا منفی تحت تأثیر قرار دهد (دانش، ۱۳۸۳).

عشق، یکی از سازه های روانشناسی است (برشید^۳، ۱۹۸۸، به نقل از اینگل، اولسون و پاتریک^۴، ۲۰۰۲).

۱. Westheimer

۲. Spense

۳. Bersheid

۴. Engel, Olson & Patriak

تعدادی از پژوهشگران با نگاه عمیق علمی عشق را مطالعه کرده اند (آرون و وست بی^۱، ۱۹۹۶؛ دیویس و لیتی-مان^۲، ۱۹۸۷؛ فی هر و راسل^۳، ۱۹۹۱؛ موری، هولمز و گرین^۴، ۱۹۹۶؛ اشترنبرگ^۵، ۱۹۹۷، به نقل از اینگل و همکاران، ۲۰۰۲). یک نظریه از عشق که به اندازه کافی کلی و به فرهنگ های مختلف اطلاق پذیر است «نظریه مثلث عشق»^۶ اشترنبرگ (۱۹۸۸ و ۱۹۸۶) می باشد.

این سوال همیشه مطرح بود که چرا برخی از روابط صمیمانه به موفقیت منجر می شوند و برخی با شکست مواجه می شوند (اشترنبرگ، ۱۹۸۶، ترجمه بهرامی، ۱۳۸۲) برای شناخت این روابط وی به مطالعه عشق پرداخت و تلاش کرد ساختار عشق را بررسی کند. بنابراین نظریه مثلث عشق را مطرح کرد که براساس این نظریه عشق را می توان با توجه به طیف وسیعی از عاطفه ها، اندیشه ها و انگیزش های متفاوت با هم شناخت.

همچنین تزینگ و گامز^۷ (۱۹۹۲، به نقل از گائو، ۲۰۰۱) معتقدند که این نظریه یک پیشرفت معنی دار در مطالعه علمی عشق دارد. به عقیده گائو (۲۰۰۱) نظریه مثلث عشق با نگاه عمیق علمی به مطالعه این سازه پرداخته و به اندازه کافی جامع است. به علاوه بک (۱۹۹۴)، ترجمه قراچه داغی، (۱۳۷۹) معتقد است که عشق به عنوان یک جزء مهم و مؤثر در ازدواج های موفق است، به طوری که قرآن کریم اساس رابطه زناشویی را (مودت و محبت) می داند. برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید که به آنها آرامش گیرید و میان شما محبت و مهربانی قرار داد (سوره روم، آیه ۲۱).

زندگی زناشویی باید به منزله رابطه رضایت بخشی برای همسران باشد که بتوانند نیازهای عاطفی و روانی خود را در آن تأمین کرده و هر یک از زوجین بتوانند علاوه برداشتن امنیت روانی، نیازهای جنسی خود را نیز در یک فضای صمیمانه برآورده سازند. اگر چه افراد به دلایل مختلفی ازدواج می کنند ولی اکثر آنان خواستار یک زندگی خوب و بدون تعارض هستند. به عبارت دیگر زوجین در پی کسب رضایت زناشویی هستند که به دست آوردن این رضایت کار آسانی نیست (روزن، میر و هاتی^۸، ۲۰۰۴).

نظر به اینکه ازدواج های رضایت بخش موجب حفظ زن و شوهر از درماندگی روانشناختی و حوادث منفی زندگی می شود، پس رضایت زناشویی یک جنبه مهم از رضایت کلی زندگی افراد است. رضایت زناشویی به طور گسترده توسط پژوهشگران مطالعه می شود تا عوامل پیشین این سازه شناخته شوند (هیلر، واتسون و آیز^۹، ۲۰۰۳). ارتباط با همسر جنبه مرکزی زندگی عاطفی و اجتماعی یک شخص است و نارضایتی زناشویی می تواند به توانایی زن و شوهر برای برقراری روابط رضایتمندانه با سایر اشخاص خارج

۱. Aron & Westbay

۲. Davis & Latty-mann

۳. Feher & Russel

۴. Murray, Holmes & Griffin

۵. Sternberg

۶. Triangular theory of love

۷. Tzeng & Gomez

۸. Rosen, Myers & Hattie

۹. Heller, Watson & Iiies

از خانواده آسیب‌بزند (وینچ^۱، ۱۹۷۴، به نقل از معتمدین، ۱۳۸۳).

هنگامی که از نهاد خانواده صحبت به میان می‌آید بلافاصله در ذهن صمیمیت، عشق و علاقه تداومی می‌شود. وجود ثبات، استحکام و برقراری نظم در این نهاد منوط به داشتن روابط گرم اعضای خانواده با یکدیگر است. ولی آنچه از بین برنده این فضا است تضاد، کشمکش و درگیری است که تصویر آرام خانه و امنیت آن را در هم می‌شکند. خشونت خانگی ابزاری برای تثبیت قدرت و سلطه جویی است که نه تنها آرامش خانواده بلکه اعتبار و کرامت انسانی را خدشه دار می‌سازد (اعظم زاده و دهقان فرد، ۱۳۸۵).

خشونت خانوادگی گاهی اوقات تحت عنوان همسر آزاری، خشونت زناشویی، زن آزاری، شریک آزاری و عبارات دیگر توصیف شده است (اشتراوس^۲، ۱۹۹۳). یکی از بهترین تعاریف خشونت خانوادگی راشکتر و کانلی^۳ (۱۹۹۵) همچنین بارت، میلر-پرین و پرین^۴ (۱۹۹۷) ارائه داده‌اند. آنها به طور کلی خشونت خانوادگی را الگویی از رفتارهای تهاجمی و اجباری، تحمل حملات فیزیکی، جنسی و روانی و همچنین فشار و تهدید اقتصادی که افراد علیه جفت (شریک) صمیمی شان به کار می‌برند تعریف کرده‌اند.

همسر آزاری شامل بدرفتاری علیه همسر است که می‌تواند اشکال گوناگون بدنی، کلامی، عاطفی، روانی، جنسی و اقتصادی باشد (اسفندآباد و امامی پور، ۱۳۸۲). همسر آزاری به هر گونه سوء رفتار با زنان از نظر فیزیکی، روانی، جنسی و همچنین بی‌اعتنایی و کم توجهی، ناسزا گفتن، تحقیر و توهین گفته می‌شود (کاپلان و سادوک^۵، ۲۰۰۳، به نقل از میرزایی، ۱۳۸۵). هنگام بررسی خشونت خانوادگی، اشکال مختلف آن که معمولاً به صورت همزمان رخ می‌دهد، مورد تجربه قرار می‌گیرد. حتی برخی متخصصان معتقدند که بدرفتاری روانی زیر بنای همه انواع بدرفتاری‌ها است. بنابراین انواع خشونت جسمی، عاطفی و جنسی خانوادگی را می‌توان به منزله اشکال از مرحله حاد اعمال سلطه و کنترل تلقی کرد (کمپ^۶، ۱۹۹۸).

آمار و اطلاعات استخراج شده از مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که این موضوع مسئله‌ای جهانی است و در اغلب جوامع قابل مشاهده است. در ایران متأسفانه آمار دقیقی از پدیده همسر آزاری وجود ندارد اما فقدان آمار نمی‌تواند دلیل موجهی بر نادیده گرفتن آن باشد. صرف نظر از چگونگی برداشت و پذیرش یا رد خشونت خانگی از طرف افراد، مشاهدات تجربی و شواهد ظاهری حاکی از وجه گسترده انواع آن در خانواده‌های ایرانی است (سام گیس، ۱۳۷۷، فروغان، ۱۳۸۰، مجوزی، ۱۳۸۱).

به هر حال پدیده همسر آزاری به هر دلیلی که صورت می‌گیرد پیامدهای منفی زیادی را برای سلامت جسم و روان افراد دچار آسیب و همچنین آثار مخرب زیادی را بر روی کارکرد سالم خانواده‌ها و جامعه وارد خواهد کرد (اسدی، ۱۳۸۷). آنچه از شواهد برمی‌آید پدیده شوم و خطرناک همسر آزاری روز به روز در حال افزایش می‌باشد. همان‌طور که گفته شد عوامل و اشکال متعدد فراوانی در اذیت و آزار هر کدام از

۱. Winch

۲. Straus

۳. Susanschechter & Anne Ganley

۴. Barent, miller-Perin & Perin

۵. Kaplan & Sadoc

۶. Kemp

زوجین علیه دیگری دخالت دارند. یکی از عواملی که ارتباط نزدیک با آزار زوجین بر علیه یکدیگر دارد، مسائل جنسی و آشنایی و نگرش در مورد این مسأله می باشد. همچنین به نظر می رسد صمیمیت عشق و رضایت زناشویی از دیگر عواملی هستند که پیوند قوی با روابط سالم و ناسالم زوجین دارند. لذا پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش کلی است که آیا بین دانش و نگرش جنسی، مؤلفه های عشق و رضایت زناشویی با همسرآزاری در کارکنان متأهل مرد وزن ادارات دولتی شهر اهواز رابطه وجود دارد؟ بنابراین فرضیه های مورد آزمون در این پژوهش به صورت زیر است:

- فرضیه ۱- بین دانش جنسی با همسر آزاری مردان رابطه منفی وجود دارد.
- فرضیه ۲- بین دانش جنسی با همسر آزاری زنان رابطه منفی وجود دارد.
- فرضیه ۳- بین نگرش جنسی با همسر آزاری مردان رابطه منفی وجود دارد.
- فرضیه ۴- بین نگرش جنسی با همسر آزاری زنان رابطه منفی وجود دارد.
- فرضیه ۵- بین مؤلفه صمیمیت با همسر آزاری مردان رابطه منفی وجود دارد.
- فرضیه ۶- بین مؤلفه صمیمیت با همسر آزاری زنان رابطه منفی وجود دارد.
- فرضیه ۷- بین مؤلفه هوس با همسر آزاری مردان رابطه منفی وجود دارد.
- فرضیه ۸- بین مؤلفه هوس با همسر آزاری زنان رابطه منفی وجود دارد.
- فرضیه ۹- بین مؤلفه تعهد با همسر آزاری مردان رابطه منفی وجود دارد.
- فرضیه ۱۰- بین مؤلفه تعهد با همسر آزاری زنان رابطه منفی وجود دارد.
- فرضیه ۱۱- بین رضایت زناشویی با همسر آزاری مردان رابطه منفی وجود دارد.
- فرضیه ۱۲- بین رضایت زناشویی با همسر آزاری زنان رابطه منفی وجود دارد.
- فرضیه ۱۳- بین دانش و نگرش جنسی، مؤلفه های عشق (صمیمیت، هوس و تعهد) و رضایت زناشویی با همسر آزاری مردان رابطه چند گانه وجود دارد.
- فرضیه ۱۴- بین دانش و نگرش جنسی، مؤلفه های عشق (صمیمیت، هوس و تعهد) و رضایت زناشویی با همسر آزاری زنان رابطه چند گانه وجود دارد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توصیفی و از نوع همبستگی است. تحقیق همبستگی به بررسی رابطه یک به یک متغیرها می پردازد. همچنین، در این تحقیق از تحلیل رگرسیون چند گانه برای پیش بینی متغیر ملاک با استفاده از متغیرهای پیش بین استفاده شده است. تحقیقات همبستگی ساده شامل تحقیقاتی است که در آنها سعی می شود رابطه بین دو متغیر در سطح مقیاس فاصله ای و نسبی با استفاده از ضریب همبستگی تعیین گردد (دلور، ۱۳۸۰). همچنین، در تحلیل رگرسیون چند گانه هدف پیش بینی یک متغیر ملاک از یک یا چند متغیر پیش بین است که به آن مدل رگرسیون چند متغیری گفته می شود (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۲).

جامعه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه کارکنان متأهل اداره‌های دولتی شهر اهواز می‌باشند. که از این میان تعداد ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر مرد و ۱۰۰ نفر زن) به عنوان نمونه آماری جهت شرکت در این پژوهش انتخاب شدند. در آغاز فهرست اداره‌های دولتی شهر اهواز دریافت شد و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، از میان ۵۵ اداره دولتی شهر اهواز، ۱۲ اداره شامل سازمان آموزش و پرورش خوزستان، شرکت مهندس آب و فاضلاب استان خوزستان، سازمان تعاون روستایی استان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، سازمان آب و برق خوزستان، معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی، مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان اهواز، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، اداره منابع طبیعی استان، دانشگاه شهید چمران اهواز، شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت، اداره امور دارایی و اقتصادی شهرستان اهواز و شهرداری منطقه ۲ اهواز انتخاب شدند. سپس، فهرست و تعداد کارکنان این اداره‌ها دریافت شد و با توجه به نسبت نمونه برداری و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، به ۲۵۰ نفر نمونه انتخاب شده پرسشنامه تحویل داده شد که از این تعداد، ۲۰۰ پرسشنامه تکمیل شده، جمع‌آوری شد.

ابزارهای اندازه‌گیری

مقیاس تجدیدنظر شده تاکتیک‌های تعارضی^۱ (CTS-2). این پرسشنامه دارای ۷۹ ماده است که توسط اشتراوس (۱۹۷۹) ساخته شده و توسط اشتراوس، هامبی، بونی-مککوی و ساگارمن^۲ (۱۹۹۶) مورد تجدید نظر قرار گرفته است. این مقیاس تنها ابزاری است که شدت و ضعف خشونت را همزمان به صورت دوجانبه ارتکاب یا تجربه خشونت و فراوانی رخداد ابعاد خشونت مورد سنجش قرار می‌دهد. این مقیاس دارای ۴ خرده مقیاس پرخاشگری روانشناختی، حمله جسمی، زورگویی جنسی، آسیب و صدمه جسمی است. همچنین یک مقیاس برای سنجش مذاکره به عنوان راهی غیر خشن در تعاملات زوجین در نظر گرفته شده است. CTS-2 به کارگیری راه حل‌ها و تاکتیک‌های خاص از جمله خشونت را مورد سنجش قرار می‌دهد. قدرت CTS-2 در تمرکز بر اعمال و وقایع خاص در روابط زوجی است. در این پژوهش از نمره کل مقیاس برای سنجش آزاررسانی از سوی زوجین استفاده می‌شود. با توجه به اینکه این مقیاس شدت و ضعف خشونت را همزمان به صورت دوجانبه (از سوی فرد پاسخ دهنده و همسر وی) مورد سنجش قرار می‌دهد، لذا در این پژوهش فقط ۳۳ سؤال مربوط به آزاررسانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و سؤال‌های مربوط به آزارپذیری از سوی همسر مدنظر قرار نمی‌گیرند. نمره‌گذاری این پرسشنامه در یک طیف لیکرت در دامنه‌ای بین ۰ تا ۷ انجام می‌شود.

ضریب پایایی CTS-2 که از ۸۰ مطالعه استخراج شده، مطلوب و مناسب است. میانگین آلفای آن در زوج‌های ناهمجنس‌گرا، متأهل و نامزد، ۰/۸۸ به دست آمده و اشتراوس و همکاران (۱۹۹۶) ضریب پایایی آن را ۰/۷۹ محاسبه کردند (محمدخانی، رضایی دوگانه، محمدی و آزاد مهر، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر در

۱. Conflict Tactics-Scales-2

۲. Straus, Hamby, Boney- McCoy, & Sugarman

نمونه اعتباریابی و قبل از اجرای مرحله اصلی پژوهش، از روش تنصیف و آلفای کرونباخ به منظور سنجش پایایی مقیاس CTS-2 استفاده شد که به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۵ به دست آمد. اعتبار این مقیاس نیز با استفاده از ضریب همبستگی مقیاس با یک سؤال کلی (سؤال ملاک) محاسبه شد که ضریب همبستگی ۰/۸۰ به دست آمد که در سطح $p=0/001$ معنی دار است.

مقیاس دانش و نگرش جنسی. این مقیاس توسط بشارت (۱۳۸۴) ساخته شد که دانش فرد نسبت به مسائل جنسی در روابط زناشویی و نگرش وی نسبت به آن را می‌سنجد. این مقیاس شامل ۳۰ سؤال است که دو متغیر دانش و نگرش جنسی را در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت در دامنه‌ای بین ۱ تا ۵ می‌سنجد. هر کدام از دو خرده مقیاس این مقیاس شامل ۱۵ سؤال است که کمترین و بیشترین نمره آزمودنی در هر یک از خرده مقیاس‌ها بین ۱۵ تا ۷۵ خواهد بود. نمره بالاتر در خرده مقیاس دانش جنسی به معنای بالا بودن دانش جنسی فرد و نمره بالاتر در خرده مقیاس نگرش جنسی به معنای نگرش مثبت تر نسبت به رابطه جنسی است.

پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های دانش و نگرش به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۸۸ محاسبه شد (یوسفی، ۱۳۸۴). اعتبار همزمان خرده مقیاس‌های دانش و نگرش با پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبک-راست (۱۹۸۸) به ترتیب ۰/۸۸- و ۰/۸۲- ($p=0/001$) محاسبه شد (یوسفی، ۱۳۸۴). در پژوهش حاضر، پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف برای خرده مقیاس‌های دانش و نگرش جنسی در دامنه‌ای بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۲ محاسبه شد. روایی این مقیاس نیز با استفاده از همبستگی پرسشنامه احساسات مثبت نسبت به همسر (الری، فینچام، و ترکویتز، ۱۹۷۵) محاسبه شد که ضرایب همبستگی برای خرده مقیاس‌های دانش و نگرش جنسی به ترتیب ۰/۷۱ و ۰/۶۶ به دست آمد که در سطح $p=0/001$ معنی دار است.

پرسشنامه مثلث عشق اشترنبرگ. پرسشنامه مثلث عشق اشترنبرگ توسط اشترنبرگ (۱۹۸۶)، ترجمه گنجی، (۱۳۸۴) با هدف بررسی و ارزیابی ساختار عشق بر اساس مؤلفه‌های صمیمیت، هوس و تعهد ساخته شد. این پرسشنامه شامل ۴۵ سؤال است که سه مؤلفه صمیمیت، هوس و تعهد را در یک مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت در دامنه‌ای بین ۱ (اصلاً) تا ۹ (به طور کامل) می‌سنجد. هر کدام از سه مؤلفه این پرسشنامه شامل ۱۵ سؤال است که کمترین و بیشترین نمره آزمودنی در هر یک از خرده مقیاس‌ها بین ۱۵ تا ۱۳۵ خواهد بود. قمرانی و سادات جعفر طباطبایی (۱۳۸۵) پایایی پرسشنامه مثلث عشق اشترنبرگ را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آوردند. همچنین روایی پرسشنامه مثلث عشق اشترنبرگ را با استفاده از محاسبه همبستگی مؤلفه‌ها با نمره کل برای سه مؤلفه صمیمیت، هوس و تعهد به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۹۲ و ۰/۷۷ به دست آوردند ($p=0/001$). در پژوهش حاضر، پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف برای خرده مقیاس‌ها در دامنه‌ای بین ۰/۸۵ تا ۰/۹۷ محاسبه شد. روایی این پرسشنامه نیز با استفاده از همبستگی

با مقیاس صمیمیت^۱ (واکر^۲ و تامپسون^۳، ۱۹۸۳) محاسبه شد که ضرایب همبستگی برای خرده مقیاس های صمیمیت، هوس و تعهد به ترتیب ۰/۵۹، ۰/۴۸ و ۰/۵۱ به دست آمد که در سطح $P=0/001$ معنی دار است. پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۴ (ENRICH). این پرسشنامه توسط آلسون^۵ (۱۹۹۸) تدوین شده است که فرم کوتاه آن شامل ۴۷ ماده می باشد. پاسخ به سؤال های پرسشنامه فوق به روش لیکرت و به صورت ۵ گزینه ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) می باشد که به ترتیب ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ نمره گذاری می شود. نمره های کمتر از ۳۰ نشانگر نارضایتی شدید، ۳۰ تا ۴۰ نشانگر عدم رضایت، نمره های بین ۴۰ تا ۶۰ نشانگر رضایت نسبی و متوسط، نمره های بین ۶۰ تا ۷۰ نشانگر رضایت شدید و نمره های بالاتر از ۷۰ نشانگر رضایت فوق العاده از روابط زناشویی است. این پرسشنامه دارای یک کلید است که در آن تعدادی از ماده ها به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. کمترین و بیشترین نمره آزمودنی در این پرسشنامه به ترتیب ۴۷ و ۲۳۵ می باشد. آلسون (۱۹۸۹) پایایی پرسشنامه رضایت زناشویی را با روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه کرد. معتمدین (۱۳۸۳) روایی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ با استفاده از همبسته نمودن با پرسشنامه سازگاری زناشویی (FAD) $r=0/65$ ($P < 0/01$) به دست آوردند. در پژوهش حاضر، از روش تصنیف و آلفای کرونباخ به منظور سنجش پایایی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شد که به ترتیب ۰/۹۶ و ۰/۹۶ به دست آمد.

یافته های پژوهش

در این بخش یافته های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار نمره های متغیرهای دانش و نگرش جنسی، مؤلفه های عشق، رضایت زناشویی و همسر آزاری در مردان و زنان ذکر خواهند شد.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره های مردان

در متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
دانش جنسی	۵۶/۴۹	۹/۰۲	۳۶	۷۵
نگرش جنسی	۵۹/۳۹	۹/۸۴	۲۵	۷۵
صمیمیت	۱۱۱/۹۹	۲۳/۲۶	۵۷	۱۳۵
هوس	۹۱/۲۰	۲۰/۶۳	۵۱	۱۳۰
تعهد	۱۱۶/۹۷	۲۳/۵۵	۵۶	۱۳۵
رضایت زناشویی	۱۶۸/۵۲	۳۰/۲۰	۱۰۱	۲۳۱
همسر آزاری	۱۸/۴۲	۳۱/۹۱	۰	۱۰۸

۱. Intimacy Scale

۲. Walker

۳. Thompson

۴. Enriching and Nurturing Relationship Issue, Communication and Happiness

۵. Olson

جدول ۱ میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره های متغیرهای پژوهش در مردان رانشان می دهد. همان طور که مشاهده می شود، میانگین و انحراف معیار متغیر دانش جنسی به ترتیب ۵۶/۴۹ و ۹/۰۲، متغیر نگرش جنسی به ترتیب ۵۹/۳۹ و ۹/۸۴، مؤلفه صمیمیت به ترتیب ۱۱۱/۹۹ و ۲۳/۲۶، مؤلفه هوس به ترتیب ۹۱/۲۰ و ۲۰/۶۳، مؤلفه تعهد به ترتیب ۱۱۶/۹۷ و ۲۳/۵۵، متغیر رضایت زناشویی به ترتیب ۱۶۸/۵۲ و ۳۰/۲۰، و متغیر همسر آزاری به ترتیب ۱۸/۴۲ و ۳۱/۹۱ می باشد.

جدول ۲. میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره های زنان در متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
دانش جنسی	۵۵/۴۹	۱۰/۱۳	۳۴	۷۲
نگرش جنسی	۵۵/۸۲	۱۰/۴۳	۳۲	۷۵
صمیمیت	۱۰۰/۱۱	۲۸/۳۷	۲۷	۱۳۵
هوس	۸۹/۲۹	۲۹/۲۱	۲۵	۱۳۵
تعهد	۱۱۰/۲۲	۳۰/۱۶	۳۰	۱۳۵
رضایت زناشویی	۱۵۲/۹۷	۳۳/۸۵	۷۹	۲۱۰
همسر آزاری	۱۸/۷۷	۲۱/۱۴	۰	۷۳

جدول ۲ میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره های متغیرهای پژوهش در زنان رانشان می دهد. همانطور که مشاهده می شود، میانگین و انحراف معیار متغیر دانش جنسی به ترتیب ۵۵/۴۹ و ۱۰/۱۳، متغیر نگرش جنسی به ترتیب ۵۵/۸۲ و ۱۰/۴۳، مؤلفه صمیمیت به ترتیب ۱۰۰/۱۱ و ۲۸/۳۷، مؤلفه هوس به ترتیب ۸۹/۲۹ و ۲۹/۲۱، مؤلفه تعهد به ترتیب ۱۱۰/۲۲ و ۳۰/۱۶، متغیر رضایت زناشویی به ترتیب ۱۵۲/۹۷ و ۳۳/۸۵، و متغیر همسر آزاری به ترتیب ۱۸/۷۷ و ۲۱/۱۴ می باشد.

جدول ۳. ضرایب همبستگی ساده متغیرهای دانش و نگرش جنسی، مؤلفه های عشق و رضایت زناشویی با همسر آزاری در مردان

متغیر ملاک (همسر آزاری)		متغیر پیش بین
سطح معنی داری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۱	-۰/۷۴	دانش جنسی
۰/۰۰۱	-۰/۶۵	نگرش جنسی
۰/۰۰۱	-۰/۸۰	صمیمیت
۰/۰۰۱	-۰/۵۲	هوس
۰/۰۰۱	-۰/۷۸	تعهد
۰/۰۰۱	-۰/۶۹	رضایت زناشویی

جدول ۳ ضرایب همبستگی ساده متغیرهای دانش و نگرش جنسی، مؤلفه های عشق و رضایت زناشویی با همسر آزاری در مردان را نشان می دهد. همان طور که مشاهده می شود، بین دانش جنسی با همسر آزاری رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p=0/001$ و $r=-0/74$). بنابراین فرضیه ۱ تأیید می شود. بین نگرش جنسی با همسر آزاری رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p=0/001$ و $r=-0/65$). بنابراین فرضیه ۳ تأیید می شود. بین مؤلفه صمیمیت با همسر آزاری رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p=0/001$ و $r=-0/80$). بنابراین فرضیه ۵ تأیید می شود. بین مؤلفه هوس با همسر آزاری رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p=0/001$ و $r=-0/52$) و بنابراین فرضیه ۷ تأیید می شود. بین مؤلفه تعهد با همسر آزاری رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p=0/001$ و $r=-0/78$). بنابراین فرضیه ۹ تأیید می شود. بین رضایت زناشویی با همسر آزاری رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p=0/001$ و $r=-0/69$). بنابراین فرضیه ۱۱ تأیید می شود.

جدول ۴. ضرایب همبستگی ساده متغیرهای دانش و نگرش جنسی، مؤلفه های عشق و رضایت زناشویی با همسر آزاری در زنان

متغیر ملاک (همسر آزاری)		متغیر پیش بین
سطح معنی داری	ضریب همبستگی	
0/001 ش	-0/72	دانش جنسی
0/001	-0/61	نگرش جنسی
0/001	-0/60	صمیمیت
0/001	-0/50	هوس
0/001	-0/67	تعهد
0/001	-0/69	رضایت زناشویی

جدول ۴ ضرایب همبستگی ساده متغیرهای دانش و نگرش جنسی، مؤلفه های عشق و رضایت زناشویی با همسر آزاری در زنان را نشان می دهد. همان طور که مشاهده می شود، بین دانش جنسی با همسر آزاری رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p=0/001$ و $r=-0/72$). بنابراین فرضیه ۲ تأیید می شود. بین نگرش جنسی با همسر آزاری رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p=0/001$ و $r=-0/61$). بنابراین فرضیه ۴ تأیید می شود. بین مؤلفه صمیمیت با همسر آزاری رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p=0/001$ و $r=-0/60$). بنابراین فرضیه ۶ تأیید می شود. بین مؤلفه هوس با همسر آزاری رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p=0/001$ و $r=-0/50$) و بنابراین فرضیه ۸ تأیید می شود. بین مؤلفه تعهد با همسر آزاری رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p=0/001$ و $r=-0/67$). بنابراین فرضیه ۱۰ تأیید می شود. بین رضایت زناشویی با همسر آزاری رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p=0/001$ و $r=-0/69$). بنابراین فرضیه ۱۲ تأیید می شود.

جدول ۵ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه مربوط به متغیرهای دانش و نگرش جنسی، مؤلفه های عشق (صمیمیت، هوس و تعهد) و رضایت زناشویی با همسر آزاری مردان را با روش مرحله ای (Stepwise)

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه مربوط به دانش و نگرش جنسی، مؤلفه های عشق و رضایت زناشویی با همسر آزاری مردان با روش مرحله ای (Stepwise)

مقدار ثابت (a)	ضرایب رگرسیون (b) و (B)				نسبت F احتمال p	ضریب تعیین RS	همبستگی چندگانه MR	شاخص آماری
	۴	۳	۲	۱				
۱۴۱/۴۲	-	-	-	B = -۱/۰۹ b = -۰/۸۰۰ t = -۱۳/۲۲ p = ۰/۰۰۱	F = ۱۷۴/۷۷ p < ۰/۰۰۱	۰/۶۴۱	۰/۸۰۰	۱- مؤلفه صمیمیت
۱۷۷/۴۶	-	-	B = -۰/۷۶۲ b = -۰/۵۵۵ t = -۷/۶۷ p = ۰/۰۰۱	B = -۱/۳۰ b = -۰/۳۶۹ t = -۵/۰۹ p = ۰/۰۰۱	F = ۱۲۲/۶۳ p < ۰/۰۰۱	۰/۷۱۷	۰/۸۴۷	۲- دانش جنسی
۱۸۷/۹۲	-	B = -۰/۵۱۲ b = -۰/۳۷۳ t = -۳/۷۹ p = ۰/۰۰۱	B = -۰/۲۸۰ b = -۰/۲۶۵ t = -۲/۶۴ p = ۰/۰۰۹	B = -۱/۰۹ b = -۰/۳۱۰ t = -۴/۲۱ p = ۰/۰۰۱	F = ۸۹/۱۶ p < ۰/۰۰۱	۰/۷۳۶	۰/۸۵۸	۳- رضایت زناشویی
۱۸۲/۷۰	B = -۰/۳۱۶ b = -۰/۲۰۵ t = -۲/۷۸ p = ۰/۰۰۷	B = -۰/۶۶۲ b = -۰/۴۸۳ t = -۴/۶۹ p = ۰/۰۰۱	B = -۰/۲۹۱ b = -۰/۲۷۵ t = -۲/۸۴ p = ۰/۰۰۵	B = -۱/۲۳ b = -۰/۳۵۰ t = -۴/۸۲ p = ۰/۰۰۱	F = ۷۳/۵۰ p < ۰/۰۰۱	۰/۷۵۶	۰/۸۶۹	۴- مؤلفه هوس

نشان می دهد. همان طوری که نشان داده شده است، طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون با روش مرحله ای، از میان متغیرهای ذکر شده برای پیش بینی همسر آزاری مردان، به ترتیب مؤلفه صمیمیت، دانش جنسی، رضایت زناشویی و مؤلفه هوس پیش بینی کننده برای همسر آزاری هستند و سایر متغیرها نقشی در پیش بینی همسر آزاری ایفا نمی کنند. ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی متغیرهای پیشین برابر با $MR=۰/۸۶۹$ و $RS=۰/۷۵۶$ می باشد که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنی دار است. بنابراین فرضیه ۱۳ پژوهش تأیید می گردد.

جدول ۶ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه مربوط به دانش و نگرش جنسی، مؤلفه های عشق (صمیمیت، هوس و تعهد) و رضایت زناشویی با همسر آزاری زنان را با روش مرحله ای (Stepwise) نشان می دهد. طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون با روش مرحله ای، از میان متغیرهای ذکر شده برای پیش بینی همسر آزاری زنان، به ترتیب دانش جنسی و رضایت زناشویی پیش بینی کننده برای همسر آزاری هستند و سایر متغیرها

نقشی در پیش بینی همسر آزاری ایفا نمی کنند. ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی متغیرهای پیش بین برابر با $MR=0/760$ و $RS=0/578$ می باشد که در سطح $P < 0/001$ معنی دار است. بنابراین فرضیه ۱۴ پژوهش تأیید می گردد.

بحث و نتیجه گیری

همان طور که در بخش یافته ها مشاهده شد، بین دانش جنسی با همسر آزاری هم در مردان و هم در زنان رابطه منفی معنی داری وجود دارد. این یافته ها با نتایج پژوهش های وستیمر (۲۰۰۵)، ترودل (۲۰۰۲)، شوگرمن و فرانکل (۱۹۹۶) و جانسون و بورن (۱۹۸۲) همسو و هماهنگ می باشد. مجموعه معلومات، اطلاعات، دانش و آگاهی فرد در مورد جنسیت و مسائل جنسی از جمله جنبه های فیزیولوژیکی، تولید مثل، عملکرد و رفتار جنسی فردی و بین فردی دانش جنسی گفته می شود (یوسفی، ۱۳۸۴). امروزه روابط جنسی به عنوان یک رفتار اساسی در زندگی انسان ها به ویژه زندگی زناشویی محسوب می شود. نقش آگاهی و دانش فرد نسبت به مسائل جنسی بسیار مهم است و می تواند بر همه ارتباطات و تعاملات زندگی زوجین تأثیر گذار باشد. جایگاه شناخت به عنوان یک متغیر واسطه ای تعامل افراد با یکدیگر نقش بسیار برجسته ای دارد. با توجه به نتایج به دست آمده می توان گفت که آگاهی و دانش همسران در مورد نیاز جنسی و شیوه ارضای جنسی یک رابطه بسیار قوی با میزان آزار رسانی نسبت به همسر دارد و می تواند در سطح بسیار خوبی آن را پیش بینی نماید.

شناخت و دانش فرد می تواند به ادراک و توانایی برای حل مشکلات بیانجامد. آگاهی و دانش جنسی زوجین نیز لذت و بهبود رابطه زناشویی و عاطفی بین آنها را در پی دارد. اگر زوجین در زندگی خود شناخت بیشتری نسبت به این بعد مهم رابطه داشته باشند، قادر خواهند بود که شیوه های ارتباطی خود را تغییر دهند و آنها را بهبود بخشند و در هنگام بروز تعارضات و مشکلات زناشویی یک راه حل سازنده را در پیش بگیرند. نا آگاهی و کمبود دانش جنسی و کسب اطلاعات نادرست در بانه رابطه جنسی منجر به افزایش تعارضات و آسیب های جنسی زوجین می شود. رفتارهایی مانند نا آگاهی فرد در مورد قدرت کنترل انزال یا اینکه ارتباط جنسی همواره با درد همراه است، می تواند موجب نابهنجاری و اضطراب در زوجین شود. در حالی که اگر آگاهی همسران در حدی باشد که منجر به تعبیر و تفسیرهای مثبت شود، می تواند بر عملکرد آنان تأثیر مثبت گذاشته و در نتیجه همسران قادر خواهند بود رفتارهای پر خاشکگرانه و تکانشی خود را کنترل کنند.

همان طور که در بخش یافته ها مشاهده شد، بین نگرش جنسی با همسر آزاری هم در مردان و هم در زنان رابطه منفی معنی داری وجود دارد. این یافته ها با نتایج پژوهش های جانسون و بورن (۱۹۸۲)، شوگرمن و فرانکل (۱۹۹۶)، ترودل (۲۰۰۲)، آهن (۲۰۰۲) و کانو و وی ان (۲۰۰۱) همسو و هماهنگ می باشد. به باورهایی که در مورد فعالیت ها و نقش های جنسی وجود دارد نگرش جنسی گفته می شود (کورسینی، ۲۰۰۲). نگرش جنسی شامل سبک تفکر مثبت یا منفی در تعبیر و تفسیر رویدادها و ارتباطات جنسی است که نقش بسیار مهمی بر محتوای رابطه جنسی دارد. رویدادها و تماس های بین زوجین می تواند به عنوان محرک برای رفتارهای جنسی همسران در آینده باشد. در اهمیت این موضوع می توان گفت که نگرش ها

و ارزش های همسران نسبت به ارتباط جنسی، یک مؤلفه بسیار مهم تلقی می شود و می تواند یک نقش تسهیل کننده در ارضای نیاز جنسی خود فرد و پاسخ به نیاز جنسی شریک محسوب شود. نگرش همسران نسبت به مسائل جنسی تأثیر بسیار مهمی در سایر رفتارهای وی دارد. اعتقادات و نگرش های ناسازگارانه و منفی در برانگیختگی و رسیدن به مرحله ارگاسم همسران نقش بسیار مهمی ایجاد می کنند. نگرش سالم نسبت به رابطه جنسی باعث تجربه یک رابطه لذتبخش و رسیدن به اوج لذت جنسی می شود. ارضای نیاز جنسی در کاهش تنش ها و استرس ها نقش عمده ای دارد و باعث می شود که فرد از آزاررسانی و خشونت علیه شریک خود پرهیز کند و بتواند یک ارتباط لذت بخش و سازنده برقرار سازد. اگر یکی از همسران فعالیت جنسی را بد تلقی کند و آن را برای خود بخواهد و به ارضای شریک خود در رابطه توجه نکند، در هنگام احساس نیاز خود به سوی همسر رفته و چنانچه با پاسخ منفی وی روبه رو شود یا آن چیزی که در نظر دارد را به دست نیاورد، علیه شریک خود انواع رفتارهای آزاردهنده شامل رفتارهای پرخاشگرانه جنسی، جسمی یا کلامی را روا می دارند. رابطه به دست آمده حاکی از این است که باورها و نگرش های فرد در مورد جنسیت و نقش جنسی خود، تأثیر تعیین کننده ای در خشونت و بی ثباتی در روابط زناشویی زوجین دارد.

همان طور که در بخش یافته ها مشاهده شد، بین مؤلفه صمیمیت با همسر آزاری هم در مردان و هم در زنان رابطه منفی معنی داری وجود دارد. این یافته ها با نتایج پژوهش های اریاس، لیونز و استریت (۱۹۹۷)، مارکوس (۲۰۰۲) و نعیم (۱۳۸۷) همسو و هماهنگ می باشد. صمیمیت به عنوان نیرو و گذاری عاطفی همسران در یک رابطه است که شامل درک کردن متقابل، احساسات گرم در نزدیکی با ارتباط صمیمی و حمایت عاطفی است. مؤلفه صمیمیت بیشتر ماهیت عاطفی و هیجانی دارد و شامل احساسات گرم، نزدیکی، پیوند و محبت می باشد (اشترنبرگ، ۱۹۸۶). اگر زوجین در رابطه خود با همسرشان صمیمیت داشته باشند و احساس کنند که مورد پذیرش قرار گرفته اند، از همسرشان لذت ببرند و همچنین لذت متقابل برسانند، موجب تقویت ارتباط جنسی و فردی آنها می شود. با ارضای نیاز صمیمیت و ارزشمند بودن، احساس نیاز به یکدیگر افزایش یافته و زوجین در جریان ارتباط خود و به هنگام بروز مشکلات، از رفتارهای خطرناک و آسیب رسان پرهیز کرده و حتی از بروز خشونت کلامی نیز جلوگیری می کنند.

اغلب زوجینی که سعی می کنند یک رابطه بارور و بدون شکست داشته باشند، به دلیل نداشتن مهارت های لازم، یک رابطه خالی از صمیمیت را تجربه می کنند و اگر صمیمیت در جریان ارتباط آنها متوقف شود، انرژی عشق به آزدگی و خشم تبدیل می شود و می تواند باعث شکل گیری نزاع و درگیری بین زوجین شود. برای داشتن یک رابطه سالم، صمیمیت از اهمیت بسزایی برخوردار است. وقتی احساسات نزدیک هیجانی و محبت بین همسران ابراز می شود، یا افزایش زمان با هم بودن می تواند به ایجاد صمیمیت بیانجامد و هنگامی که صمیمیت در رابطه وجود دارد، رابطه تقویت می گردد، اما زمانی که ارتباط به صورت تدافعی، سرد و بدون احساس باشد، رابطه تضعیف می شود و پرخاشگری اتفاق می افتد. این یافته نشان می دهد که وجود یا عدم وجود صمیمیت در رابطه، می تواند پیش بینی کننده میزان آزار و اذیت در ارتباط بین زوجین باشد.

همانطور که در بخش یافته‌ها مشاهده شد، بین مؤلفه هوس با همسرآزاری هم در مردان و هم در زنان رابطه منفی معنی داری وجود دارد این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های گائو (۲۰۰۱) و حاج یحیی (۲۰۰۲) همسو و هماهنگ می‌باشد. مؤلفه هوس شامل جاذبه فیزیکی، سائق جسمی، رضایت جنسی و شیداگونه است، ماهیت انگیزشی دارد و شامل سائق‌هایی مانند جاذبه فیزیکی و اوج جنسی می‌باشد. (اشترنبرگ، ۱۹۸۶). همسرآزاری اگر در جریان هر رابطه‌ای صورت گیرد، پیامدهای منفی زیادی را برای سلامت جسم و روان همسران دچار آسیب دارد. همچنین کارکرد خانواده و جامعه راناسالم و آثار مخرب بسیاری را بر آن وارد خواهد کرد. در ارتباط زناشویی زوجین تحریک جسمی و جنسی و افکار هوس انگیز اهمیت بسیاری دارند. اگر همسران به وسیله شریک خود تحریک شده و وی را جذاب و لذتبخش بدانند، خیال پردازی و تصورات لذت بخشی را از همسر خود متصور خواهند شد. این افراد از ارتباط و تماس با شریک خود احساس سرشاری و تجربه اوج لذت رابطه را خواهند داشت. در جریان ارتباط زناشویی، در میان گذاشتن احساسات، آرزوها و تفکرات شهوت انگیز خود با همسر که ماهیت جنسی و جسمی دارند باعث برانگیختگی و افزایش هوس در رابطه می‌شود.

هر چه روابط رمانتیک، جذابیت جسمانی و لذت جنسی در رابطه زیاد شود، فعالیت‌های جسمی و جنسی مانند تماشای فیلم‌های عاشقانه، خواندن مطالب عاشقانه با همسر، آمیزش جنسی، لمس کردن، در آغوش گرفتن نیز افزایش می‌یابد. در چنین فضایی همسران برای یکدیگر اهمیت قائل بوده و سعی خواهند کرد که مشکلات و مسائل پیچیده‌های در جریان ارتباط آنها رخ ندهد. اگر مشکلی نیز رخ داد، با یادآوری لحظات شیرین و لذت بخش، سعی در نزدیکی و برقراری رابطه مجدد خواهند کرد. چنین زوجینی از راهکارهای مثبت و سازنده‌ای مانند گفتگو و مصالحه استفاده خواهد کرد و احتمالاً عصبانیت خود را کنترل کرده هیچ‌گونه آزار یا اذیتی نیز نسبت به همسر خود روا نمی‌دارند.

همان‌طور که در بخش یافته‌ها مشاهده شد، بین مؤلفه تعهد با همسرآزاری هم در مردان و هم در زنان رابطه منفی معنی داری وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های اریاس و همکاران (۱۹۹۷) و حاج یحیی (۲۰۰۲) همسو و هماهنگ می‌باشد. مؤلفه تعهد یک کارکرد شناختی است که شامل یک تصمیم کوتاه مدت یا بلند مدت برای حفظ یک رابطه عاشقانه است (اشترنبرگ، ۱۹۸۶). تعهد یک جزء اساسی برای حفظ هر رابطه‌ای است. آشکار است که زوجین اگر به روابط خود پایبند باشند، ثبات و پایداری ازدواج برای آنها با اهمیت باشد و خواهان تداوم رابطه باشند و احساس کنند که از این رابطه بهره و منفعت بسیاری نصیب آنها می‌شود، از آسیب‌ها و تخطی‌هایی که می‌تواند منجر به از هم پاشیدگی و انحلال روابط شود، صرف نظر خواهند کرد و کنترل درونی بیشتری بر رفتارهای خود اعمال خواهند کرد.

وجود تعهد در رابطه باعث شکل‌گیری اعتماد و اطمینان می‌شود. زوجین متعهد، آن‌چنان با هم یکی می‌شوند که گویی یک نفر هستند. یک رابطه زناشویی بیمارگونه، رابطه‌ای است که در آن هر کدام از زوجین در صدد دستیابی به اهداف و خواسته‌های شخصی خود هستند. چنین رفتاری منجر به خودخواهی و خودپروی همسران می‌شود و حفظ حقوق طرف مقابل اهمیتی نخواهد داشت. در چنین فضایی اذیت و آزار طرف مقابل به راحتی صورت می‌گیرد. آنها در هنگام بروز مشکل، قصد همسر خود در مورد یک

رفتار را درک نمی کنند، و برای هر مسأله کوچکی زود عصبانی می شوند و از کوره در می روند و به فحاشی، تحقیر و یا آزار و اذیت جسمانی می پردازند. برعکس زوج های سالم علاوه بر این که به همسرشان احترام می گذارند، مطمئن هستند که همسرشان قصد آزار آنها را ندارد. در اغلب موارد اگر حفظ رابطه برای زوجین با اهمیت باشد و خود را متعهد بدانند، رفتارهای آزار دهنده را بروز نخواهند داد.

همان طور که در بخش یافته ها مشاهده شد، بین رضایت زناشویی با همسر آزاری هم در مردان و هم در زنان رابطه منفی معنی داری وجود دارد. این یافته ها با نتایج پژوهش های تانگ (۱۹۹۹)، حاج یحیی (۲۰۰۲)، کانو و وی ان (۲۰۰۱)، اسکامپر و همکاران (۲۰۰۱)، اریاس و همکاران (۱۹۹۷)، بیرون و اریس (۱۹۹۷) و همتی (۱۳۸۴) همسو و هماهنگ می باشد. رضایت زناشویی، احساسات عینی خشودی، رضایت و لذت تجربه شده زناشویی توسط هر یک از زوجین است، هنگامی که همه جنبه های ازدواجشان را مدنظر می گیرند (الیس، ۱۹۸۹). رابطه زناشویی زوجین باید یک رابطه رضایت بخش برای آنها باشد، تا بتوانند نیازهای عاطفی و روانی خود را در آن تامین کرده، احساس امنیت روانی داشته و نیازهای جنسی خود را نیز در یک فضای صمیمانه برآورده سازند. افراد به دلایل مختلفی ازدواج می کنند. دلیل اصلی برای ازدواج اکثر آنان، داشتن یک زندگی خوب و بدون تعارض است. زوجینی که احساس رضایت بالایی را از رابطه زناشویی خود گزارش می کنند، ویژگی های مثبت دیگری مانند احترام، گوش دادن و توجه به نیازهای فرد مقابل دارند. این زوجین زمانی که با یک تعارض روبرو می شوند، به جای آنکه به بحث و درگیری بپردازند و همسر خود را آزار دهند، از تاکتیک ها و روش های مسالمت آمیز استفاده می کنند.

همسران در طول ارتباط خود در خانواده با متمرکز کردن نیروی خود بر حل تعارض ها، مشخص ساختن تعارض به طور دقیق و مشخص و بهبود روابط آسیب دیده سعی می کنند تا همچنان رابطه خود را رضایت بخش و با کیفیت بالا گزارش کنند. رضایت زناشویی می تواند نشان دهنده تداوم یا پایان احتمالی یک رابطه زناشویی باشد. رضایت زناشویی می تواند پیش بینی کننده خوبی برای رفتارهای تهاجمی، حملات فیزیکی، آزارهای جنسی و روانی افراد علیه شریکشان باشد. در خانواده های با الگوهای ارتباطی ناسالم، نگرش متفاوتی نسبت به خشونت، حقوق و وظایف زن و شوهر نسبت به یکدیگر وجود دارد، این نگرش منفی می تواند زمینه ساز بروز خشونت در خانواده باشد. با توجه به اینکه ازدواج های رضایت بخش موجب حفظ زن و شوهر از در ماندگی و حوادث منفی زندگی می شود پس رضایت زناشویی یک جنبه مهم از رضایت کلی زندگی افراد است. زمانی که امکان گفتگو میان همسران وجود داشته باشد می توان سلامت خانواده را انتظار داشت. چرا که افرادی که از گفتگو و تعامل با دیگران خودداری می ورزند مستعد گرایش به خشونت می شوند و همسرانی که مهارت های ارتباطی قوی نداشته و ظرفیت بحث، مذاکره و گفتگو را در رابطه با موضوعات مختلف دارا نمی باشند، رابطه پر تنش را تجربه می کنند که محصول آن نارضایتی، بدبینی و خشونت است.

نمونه پژوهش حاضر از میان جمعیت کارکنان متأهل انتخاب شده است و تعمیم نتایج این پژوهش به کل کارکنان و یا جمعیت های دیگر باید با احتیاط صورت گیرد. نگرانی ناشی از ابراز روابط خانوادگی و زناشویی یکی دیگر از محدودیت هایی بود که باعث شد آزمودنی ها در تکمیل بعضی ابزارها محافظه کار

باشند. با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می شود، این پژوهش بر روی زوجین غیر کارمند نیز انجام شود. تا بتوان به یک درک کلی دست یافت. همچنین مطالعه و بررسی پیش بین های دیگر همسر آزاری و آموزش به کارگیری روش های سالم و بدون خشونت در میان زوجین و خانواده ها از دیگر پیشنهادات پژوهش حاضر می باشد.

منابع

- اسپنس، سوزان (۱۳۸۶). درمان اختلالات جنسی ترجمه حسن توزنده جانی، مسعود محمدی، جهانشیر توکلی زاده، محمد دهگان پور. تهران: پیک فرهنگ.
- اسدی، مسعود (۱۳۸۷). مروری بر آسیب شناسی ازدواج و پدیده همسر آزاری. فصلنامه پرتواندیشه. شماره دوم، ص ۱-۷.
- اسفند آباد، حسن و امامی پور، سوزان (۱۳۸۲). بررسی میزان رواج همسر آزاری و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه پژوهش زنان. دوره ۱، شماره ۵، ص ۵۹-۸۲.
- اعظم زاده، منصوره و دهقان فرد، راضیه (۱۳۸۵). خشونت علیه زنان در تهران. فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، ص ۱۵۹-۱۷۹.
- اوحدی، بهنام (۱۳۸۵). تمایلات و رفتارهای جنسی انسان. چاپ هشتم. اصفهان: انتشارات صادق هدایت.
- بشارت، محمد علی (۱۳۷۷). مشکلات جنسی: طبقه بندی، علت شناسی، سنجش و درمان. مجله تازه های رواندرمانی، ۱۰-۹، ص ۲-۲۹.
- بک، آرون تی (۱۹۹۴). عشق هرگز کافی نیست. ترجمه مهدی قراچه داغی (۱۳۷۹). تهران: نشر پیکان.
- دانش، آذر (۱۳۸۳). بررسی رابطه رضایت زناشویی با رضایت از رابطه جنسی زوجین نخستین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران {چکیده مقالات}، تهران: پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.
- دلاور، علی (۱۳۸۶). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران، مؤسسه نشر ویرایش.
- سامگیس، بنفشه (۱۳۷۷). چرا همسران شان را آزار می دهند؟ مجله پژوهش زنان، سال اول، شماره ۲۱.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۶). روش های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ چهاردهم، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- فروغان، مهشید (۱۳۸۰). بررسی خشونت در خانواده ها. کیهان، شماره، ۱۷۹۲۵.
- قرآن کریم. سوره روم، آیه ۲۱.
- قمرانی و سادات جعفر طباطبایی (۱۳۸۵). بررسی رابطه عاشقانه زوجین ایرانی و رابطه آن با رضایت زناشویی و متغیرهای دموگرافیک. مجله تازه ها و پژوهشهای مشاوره، جلد ۵، شماره ۱۷، ص ۹۵-۱۰۹.
- کجباف، محمد باقر (۱۳۸۵). روان شناسی رفتار جنسی؛ نظریه ها و دیدگاهها. چاپ سوم. تهران: نشر روان.

مجوزی، پاکسیما (۱۳۸۱). سکوت سرشار از ناگفته‌ها است: نگاهی به پدیده خشونت علیه زنان. همشهری، سال دهم، شماره ۲۸۱۸.

محمدخانی، پروانه؛ رضایی دو گاهه، ابراهیم؛ محمدی، محمدرضا؛ آزاد مهر، هدیه (۱۳۸۵). شیوع الگوی خشونت خانوادگی، ارتکاب یا تجربه آن در مردان و زنان. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۱، ص ۲۰۵-۲۲۳.

معمدین، مختار (۱۳۸۳). تأثیر آموزش راهبردهای مقابله با باورهای غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر این باورها و رضایت زناشویی زوجین مراجعه کننده به مرکز مشاوره خانواده بهزیستی اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاور خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز.

میرزایی، جعفر و همکاران (۱۳۸۵). تأثیر خشونت های جنسی در بروز اختلال استرس پس از سانحه (PTSD). فصل نامه توانبخشی، دوره هفتم، شماره ۲۸. ص ۶۵-۷۴.

نعیم، سامیه (۱۳۸۷). رابطه بین دلزدگی زناشویی، روابط صمیمی با همسر و تعارضات زناشویی با خشونت علیه زنان شهر ایلام. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اهواز.

همتی، رضا (۱۳۸۴). بررسی فراوانی همسر آزاری و عوامل مؤثر بر آن در منطقه اسلام آباد زنجان مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی زنجان، دوره ۱۳، شماره ۵۰، ص ۳۶-۴۳.

یوسفی، اسکندر (۱۳۸۴). رابطه بین دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی در زوجین ساکن در مجتمع پژوهشگران جو دانشگاه شهید بهشتی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

- Arias, I., Lyons, CM & Street, A. (1997), Individual and marital consequences of victimization: Moderating effects of relationship efficacy and spouse support. *Journal of Family Violence*, 12, 193-210
- Barnett, O. W. Miller-Perrin, C. L. Perrin, R. G. (1997), family violence across the lifespan: An introduction. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Byrne, Ch. A; Arias, I. (1997), Marital satisfaction and marital Violence: Moderating effects of attributional processes. *Journal of family psychology*, Vol 11 (2) 188-195
- Engel, G., Olson, K. R., & Patriak, C. (2002), The personality of love: fundamental motives and traits related to components of love. *Journal of personality and Individual Differences*, 32, 839-853
- Gao, J. (2001). Intimacy, passion, and commitment in Chinese and US American romantic relationships; *International Journal of Intercure Relations*, 25, 329-384
- Haj-Yahia, M. (2000); " Implication of wife abuse and battering for self-esteem, depression, and anxiety as revealed by second Palestirina national survey on violence against woman ". *Journal of family issues*, 21 (4), 435-463
- Heller, D., Watson, D., & Iiies, R. (2003), The role of person, Situation in life satisfaction: Acritical examination. from [http:// www. Science direct Com](http://www.Science direct Com)
- Johnson. M. N. & Boren. Y. (1982). Sexual Knowledge and spouse Abuse: A Cultural Phenomenon. *Issues in Mental Health Nursing*, 4 (3), 217-231
- Kemp, Alan. (1998) Abuse in the family, Brooks/ Cole publishing company: USA
- Marcus, R. F (2002). Violence and Intimacy in close Relationships. *Journal of Interpersonal Vio-*

lence, Vol. 17, No, 5, 570-586

Schechter, S. Ganley, A. (1995), Understanding violence, In Domestic violence: A national curriculum for family preservation practitioners. San Francisco: Family Violence Prevention Fund.

Straus, M. A. (1993), Physical assaults by wives a major social problem. In R. J. Gelles. D. J. Loseke (Eds) / Current controversies on family violence (Pp. 67-87), Newbury Park, CA: Sage.

Trudel. G (2002) Sexuality and marital life: Result of a survey. Journal of sex Research, 28, 229-249